

کد کنترل



122E

122

E

دفترچه شماره (۱)
صبح جمعه
۹۸/۱۲/۹



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود.»
امام خمینی (ره)

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌تمترکز) – سال ۱۳۹۹

رشته فقه شافعی – کد (۲۱۳۴)

مدت پاسخ‌گویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سوال: ۹۰

Konkur.in

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سوالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سوال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی؛ زبان عربی – فقه – اصول	۹۰	۱	۹۰

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سوالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تعلیمی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با مخالفین برای مقرورات رفتار می‌شود.

۱۳۹۹

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، بهمنزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخ‌نامه و دفترچه سوالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سوالات و پائین پاسخ‌نامه‌ام را تأیید می‌نمایم.

امضا:

■ ■ عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة أو التعریف أو المفهوم (۱۰-۱)

۱- عین الخطأ في المفهوم:

- ۱) « هل لنا من شفاء فیشفعوا لنا »: آیا برای ما شفیعانی هستند تا ما را شفاعت کنند؟
- ۲) « لا تطغوا فيه فیحلُّ عليكم غضبي »: در آن از حد و اندازه مگذرید که غصب من بر شما فروود آیدا
- ۳) « لولا أخْرَتْنِي ... فأصْدِقَ و أكْنُ من الصالحين »: چرا آجل مرا به تأخیر نینداختی ... تا صدقه دهم و از صالحان باشم!
- ۴) « لَمَا يَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمُ الصابِرِينَ »: خداوند هنوز کسانی را که از شما جهاد کردند و صبر پیشه نمودند، مشخص نکرده است!

۲- « ويحك! إن لكل أجل وقتاً لا يعدوه، و سبباً لا يتجاوزه، فلا تقد لممثل هذه الكلمات، فإنما نفت الشيطان على لسانك! ». عین الصحيح: واى بر تو!

- ۱) هر اجلی را زمانی است که از آن پیش نمی‌افتد، و سببی است که از آن درنمی‌گذرد، پس به چنین سخنانی باز نگرد، که آن فقط شیطان بود که بر زبانت دمید!
- ۲) هر سرسیدی را اجلی است معین که از آن نمی‌گذرد، و سببی دارد که از آن تجاوز نمی‌کند، پس چنین کلماتی دیگر باز نگردد، چه آن دمیدن شیطان می‌باشد بر زبان ثوا
- ۳) هر مهلتی را زمانی است معین که از آن نمی‌گذرد، و علتی است که از آن عبور نمی‌کند، پس دیگر این چنین سخن مگو، که این شیطان بود که چنین حرفری را بر زبانت جاری ساخت!
- ۴) هر زمانی را مهلتی است که از آن تجاوز نمی‌کند، و علتی است که از آن درنمی‌گذرد، پس بار دیگر به مثل این کلمات باز نگرد، زیرا تنها شیطان است که بر زبانت دمیده است!

۳- « أنا لا أحب أن أخدع نفسي عن نفسي، كما لا أحب أن أخدع الناس عنها! ». عین الصحيح في المفهوم:

- ۱) من دوست ندارم درباره نفس خویش خودم را فریب دهم، همچنانکه دوست ندارم مردم را گمراه کنم!
- ۲) من دوست ندارم خودم به خودم دروغ بگویم، چنانکه دوست ندارم دیگران را درباره خود گمراه کنم!
- ۳) من تمایلی ندارم از خودم به خودم نیرنگ بزنم، همانطور که دوست ندارم دیگران را فریب دهم!
- ۴) من میل ندارم به خودم دروغ بگویم، چنانکه دوست ندارم دیگران درباره آن دروغ بگویند!

۴- «وَمَنْ لَا يَفْعُضُ عَيْنَهُ عَنْ صَدِيقِهِ وَعَنْ بَعْضِ مَا فِيهِ، يَمْتَ وَهُوَ عَاتِبٌ!»:

- ۱) هر آنکس که از دوست خود و از برخی عیوبی که در اوست چشم پوشی نکند، در حال سرزنش کردن می‌میرد!
- ۲) هر کس چشمان خود را بر عیوبهایی که در بعضی دوستان وی است نبندد، در حال عتاب از دنیا می‌رود!
- ۳) آنکه بخاطر دوست خویش از بعضی عیوبی که در اوست اغماض نکند، در حالی می‌میرد که سرزنش کننده است!
- ۴) هر که چشم خویش را از عیوبهایی که در دوست خود می‌بیند اغماض نکند، درحالی از دنیا می‌رود که عتاب کننده است.

۵- «وَلُوْ رَأَتِي فِي نَارِ مَسْعَرٍ ثُمَّ أَسْتَطَاعَتِ، لَزَادَتْ فُوقَهَا حَطَبًا!»:

- ۱) اگرچه مرا در حال سوختن در آتش ببیند، توانایی دارد هیزم آن را اضافه کند!
- ۲) هرگاه مرا افروخته در آتشی ببیند، سپس اگر بتواند هیزم بر آن می‌گذارد!
- ۳) چنانچه مرا در آتش سوزان بیند، می‌تواند هیزم آن را افزون سازد!
- ۴) اگر مرا در آتشی افروخته بیند و بتواند، هیزم بر آن می‌افزاید!

۶- «وَوْضُعُ النَّدْى فِي مَوْضِعِ السَّيْفِ بِالْعَلَا مَضْرُ، كَوْضُعُ السَّيْفِ فِي مَوْضِعِ النَّدْى!». عین غيرالمناسب

لمفهوم البيت:

- ۱) گرچه احسان نکوست از کم و بیش
- ۲) نیکی از در محل خود نیمود
- ۳) نیکی کنی بجای تو نیکی کنند باز
- ۴) نکوئی بابدان کردن چنان است

۷- «مَنْ يَزْرِعُ الشَّوْكَ لَا يَحْصُدُ بِهِ الْعَبْرًا!». عین الأکثر مناسبة (معنی و لفظاً):

- ۱) از نی بوریا شکر نخوری!
- ۲) بدی را بد بود آخر مكافات!
- ۳) زمین شوره سنبل بر نیاید!
- ۴) خرما نتوان خورد از این خار که کشته‌یم!

۸- «چگونه می‌توان با چیزی که در وجودش نیازمند تو است، بر تو استدلال کرد!»:

- ۱) کیف الاستدلال بوجودک بما مفترض ای وجودک!
- ۲) کیف یستدلّ عليك بما هو في وجوده مفترض إلیك!
- ۳) کیف یمکن الاستدلال عنك بواسطه التي تحتاج إلیك!
- ۴) کیف نستطیع أن نستدلّ بوجودک بمن هو تحتاج إلی وجودک!

- ۹ « مسأله اسلام در بینش معتقدانش، از رهبری گرفته تا رهروی، مسأله دعوی است زنده و پویا در همه سطوح!»:
- ۱) فی معتقد المؤمنین بالإسلام، إِنَّه مسأله الدّعوة الحية التّشیطة علی سطح القاعدة حتی القيادة و علی جميع الأصعدة!
 - ۲) فی وعي المؤمنين بالإسلام، إِنَّه مسأله الدّعوة الحية التّشیطة علی سطح الرّعیم حتی القاعدة و علی جميع السطوح!
 - ۳) إِنَّ مسأله الإسلام في معتقد المعتقدين به و علی سطح الرّعامة حتی التّبعية، إِنَّه مسأله دعوة نشطة و حيّة علی جميع السطوح!
 - ۴) إِنَّ مسأله الإسلام في وعي المؤمنين به علی مستوى القيادة حتی القاعدة، هي مسأله دعوة نشطة و متحركة في كلّ صعيد!
- ۱۰ « نفوذ و توسيعة دانش و فرهنگ اسلامی در اروپا، یکی از عوامل اصلی ظهور رنسانس در قرن ۱۵ بوده است!»:
- ۱) كان نفوذ و انتشار العلم و الثقافة الإسلامية في أوروبا أحد العوامل الرئيسية لحدوث النهضة العلمية في القرن الخامس عشر!
 - ۲) إِنَّ نفوذ و توسيع العلم و الثقافة الإسلامية في بلاد أوروبا كان من العوامل الأصلية لبروز النهضة الثقافية في قرن الخامس عشر!
 - ۳) كان لنفوذ و توسيعة العلوم و الثقافات الإسلامية في أوروبا العامل الرئيسي لإيجاد الانبعاث الثقافي في القرن الخامس عشر!
 - ۴) إِنَّ التقوُّد و النشر للعلم و الثقافة الإسلامية في أوروبا هو العامل الأصلي في حصول الانبعاث الثقافي في قرن الخامس عشر!

■ ■ عین المناسب للجواب عن التشكيل (۱۱-۱۳)

- ۱۱ « کم الساعة الآن و کم دقیقه انتظرتني؟ الساعة الآن الثانية إلا خمس دقائق!». عین الخطأ:
- ۱) الساعة . الآن . انتظرت . خمس . دقائق
 - ۲) کم . الساعة . دقیقة . انتظرت . الثانية
 - ۳) کم . دقیقة . انتظرت . الساعة . خمس
 - ۴) دقیقة . الآن . انتظرت . الثانية . خمس

١٢ - عین الصحيح:

- ١) اخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ أَلْنِ جَانِيكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ،
- ٢) وَ آسِيَّتْهُمْ فِي الْأَحْظَةِ وَ الْأَظْرَةِ، حَتَّى لا يَطْمَعُ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْكَ لَهُمْ،
- ٣) وَ لا يَبْسِي الْضُّعْفَاءُ مِنْ عَدَلَكَ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُسَأَلُكُمْ مَعْشَرَ عِبَادَةِ،
- ٤) عَنِ الصَّغِيرَةِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَ الْكَبِيرَةِ، وَ الظَّاهِرَةِ وَ الْمَسْتَوَةِ، فَإِنْ يُعَذَّبْ فَأَنْتُمْ أَظَلَمُ!

١٣ - عین الخطأ:

- ١) يُقَالُ إِنَّ الْمَرَادَ بِهَذِهِ الْآيَةِ تَضْمِينُ الْإِسْتِعَانَةِ،
- ٢) وَ مَنْ تَرَكَ هَذِهِ الْآيَةَ فِي صَلَاةِ بَطْلَتِ الصَّلَاةُ،
- ٣) سَوَاءَ كَانَتْ فَرْضًا أَوْ نَفْلًا، كَمَا يَجْبُ الْجَهْزُ بِهَا وَ لَا يَجُوزُ الْحَفْتُ،
- ٤) إِلَّا أَنَّ جَمِيعَ هَذِهِ الْمَسَائِلِ خَلَفَ فِيهَا بَيْنَ الْفُقَاهَاءِ!

■ ■ عین الصحيح عن الإعراب و التحليل الصرفی (٤-١٨)**٤ - فَكَيْفَ تَتَقَوَّنُ، إِنْ كَفَرْتُمْ، يَوْمًا يَجْعَلُ الْوَلَدَانَ شَبِيَّاً).** عین الصحيح:

- ١) يَوْمًا: مفعول به لفعل «تَتَقَوَّنُ» و منعوت لجملة «يَجْعَلُ ...» و الرابط محفوظ، تقديره «يَجْعَلُ فِيهِ ...»
- ٢) الْوَلَدَانُ: اسم مثنى مذكر، و فاعل لفعل «يَجْعَلُ» و مرفوع بالألف، و «شَبِيَّاً» مفعول به و منصوب
- ٣) شَبِيَّاً: جمع «أشَبِّبْ» و صفة مشبهة و لا مؤنث له على وزن فعلاه، و نعت و منصوب بالتبعية
- ٤) تَتَقَوَّنُ: فعل مضارع من باب تَقْعِلُ، لفيف مفروق و له إيدال الواو إلى النَّاءِ ثم إدغام الثاءين

٥ - «إِذَا أَنْتَ رَمَيْتَ بَعْدَوَةً فَلَا تَنْيَسْ!». عین الصحيح:

- ١) تَنْيَسْ: فعل مضارع مجرد ثلاثي، و مبني على الفتح لوجود تون التوكيد التقيية و مجروم محلّ بحرف «لا» النافية و فاعله ضمير التون البارز

- ٢) أَنْتَ: ضمير منفصل مرفوع و نائب الفاعل و في محلّ رفع، و هو مبدل من ضمير النَّاءِ المتصّل، و الجملة فعلية و في محلّ جرّ، مضارف إليه

- ٣) رَمَيْتَ: فعل ماضٍ مبني للمجهول أو مبني للمفعول، و نائب فاعله ضمير النَّاءِ البارز، و الجملة فعلية و خبر و في محلّ رفع

- ٤) إِذَا: اسم غير متصرف من أدوات الشرط الجازمة، و ظرف غير متصرف أو مفعول فيه للزمان، متعلقه فعل «رميَتْ»

٦ - «لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَلْاقُونَ مِثْلَ مَا ثَلَاقُي، لَكَانُوا فِي الْمَضَاجِعِ مَثَلَنَا!». عین الصحيح:

- ١) يَلْاقُونَ، ثَلَاقُي: مضارع من باب مفاعة، معنٌّ و لفيف مفروق، إعلاله بالحذف
- ٢) كَانُوا: اسمه ضمير الواو؛ خبره (الأولي): يَلْاقُونَ؛ (الثانية): في المضاجع
- ٣) المضاجع: منتهي الجموع و منموع من الصرف، و منعوت للنعت «مَثَلَنَا»
- ٤) مِثْلُ: الأولى: مفعول به و منصوب؛ الثانية: خبر «كان» المفرد و منصوب

١٧ - «أعزز بنا وأكف، إن دعينا يوماً إلى نصرة من يلينا!». عين الخطأ:

١) أكف: فعل جامد لإنشاء التعجب على وزن الأمر، مبني على حذف حرف العلة، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنت»

٢) أعزز: فعل جامد لإنشاء التعجب على وزن الأمر، مضاعف و ممتنع الإدغام، فاعله ضمير «نا» المجرور في اللفظ بالباء الزائدة، و الجملة فعلية

٣) يلي: فعل مرفوع بضممة مقدرة و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره «هو» و الجملة فعلية و صلة للموصول «من» و عائدتها الضمير المستتر

٤) دعينا: فعل ماضٍ مجرد ثالثي و مبني للمجهول أو للمفعول، معنل و ناقص و إعلاله بالقلب، نائب فاعله ضمير «نا» البارز، و الجملة فعلية و شرطية

١٨ - «ولم أز كالمعروف، أمتا مذاقه فحلّ، و أنا وجهه فجميل!». عين الخطأ:

١) أمتا: حرف شرط و تفصيل، مذاق: مصدر ميمي و مبتدأ و مرفوع و خبره المفرد «حلو» و اقترانه بالفاء واجب

٢) كالمعروف: الكاف اسم بمعنى «مثل» مفعول به و منصوب محلّ لفعل «أر»، المعروف: اسم مفعول و مضارف إليه و مجرور

٣) أر: مضارع من مزيد ثالثي (باب إفعال)، معنل و ناقص، و له إعلال حذف الهمزة وجوباً، مجزوم بحذف حرف العلة

٤) لم أر: «لم» حرف نفي و نقل، «أر»: للمتكلّم وحده من فعل مجرد ثالثي، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنا» و الجملة فعلية

■ ■ عين المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (١٩-٣٠)

١٩ - عين الصحيح للفراغ: إن المصدر «إنتمار» مأخوذ من مادة

١) «يمر» و لا غير ٢) «يمر» أو «متر»

٤) «أمر» أو «ومر» ٣) «أمر» و لا غير

٤٠ - «غداة - أرباء - غداء - مبرأة». عين الصحيح في الأوزان:

١) فعلة . فعلاً . فلاء . مفعلة ٢) فعلة . أفعال . فعال . مفعلة

٤) فعل . أفعال . فلاء . مفعال ٣) فعل . فعلاً . فلاء . مفعلاً

٤١ - عين ما كله ممنوع من الصرف:

٢) بلخ . ليالٍ . حمزة ١) طوس . حضر موت . أرمـل

٤) هند . جـوعى . منـازـة ٣) شوش . ثـلـاثـ . تـلـفـزيـون

٢٢ - عين الصحيح في التصغير:

- ١) ميعاد ← مييعاد / شاعر ← شويعر
 ٢) موقظ ← مويقظ / موعد ← موعيد
 ٤) شمس ← شميسة / أحلى ← أحيلي
 ٣) أرض ← أريضة / مريم ← مريم

٢٣ - لولا أن من الله علينا). عين الصحيح في نوع «أن»:

- ١) موصول حرف
 ٢) زيادة للتأكيد
 ٤) مفسرة لما قبلها
 ٣) مخففة من التقيلة

٤ - عين «كم» لا يمكن أن تكون استفهامية:

- ٢) كم ساع بینکم في الصفا!
 ٤) كم طالعت من كتب مفيدة!

٥ - عين الخطأ في جواب الشرط:

- ١) إن فُلت بهذا المعنى المحمود فوالله تلهم الألسنة بذكرك!
 ٢) إن تخلصن الله العمل والله يضاعف لك الأجر أضعافاً!
 ٣) الكتاب والله إن نطالعه فهو خير جليس!
 ٤) والله إن إنقيتم ليجعلن الله لكم مخرجاً!

٦ - عين الخطأ (في باب العدد):

- ١) متى تُعيد لي ألف التومان الذي أسلفته إياك من قبل؟
 ٢) متى تُعيدين لي الاثنين عشر كتاباً الذي أعرتها إياك؟
 ٣) إنني لم أطالع حتى الآن الإحدى و العشرين مقالة التي استعرتها من المكتبة!
 ٤) إنني لم أطالع الكتب الثلاثة و الخمس مقالات التي استعرتها من المكتبة حتى الآن!

٧ - عين الواو لا تكون إلا معينة:

- ١) كل طالب و جهده متلازمان في العمل!
 ٢) إن الله يرزقنا و إياكم لو كنا كاذبين!
 ٣) نجحنا و اثنين من زميلاتي في الامتحان!
 ٤) بعد غياب الشمس طلع النجم و القمر في السماء!

٨ - عين الخطأ (في باب الاختصاص):

- ٢) على أيها البطل يعول في القتال!
 ٤) بنا رجال الغد تتعلق آمال الأمة!

٩ - عين الخطأ (في باب التمازع):

- ٢) قامت و قعدن المؤمنات في الصلاة!
 ٤) جاهدوا و انتصر المسلمون في طريق الحق!

- ١) اجتهدت و أكرمتهم الطالبات!
 ٣) أيدناهم و أيدنا المواطنون!

۳۰ - عین الخطأ للفراج: « سیفوز طلبة الصفت بجوائز و لا سيما ... منهم! »

- | | | | |
|------------|------------|----------|----------|
| ٤) المجدین | ٣) المجدون | ٢) المجد | ١) المجد |
|------------|------------|----------|----------|

۳۱ - مسافری آب در اختیار ندارد و می‌خواهد نماز ظهر و عصر را به صورت جمع تقدیم بخواند حکم چنین شخصی چیست؟

- (۱) نمی‌تواند جمع کند چون ممکن است تا وقت نماز بعدی، آب، یافت شود.

(۲) هر دو نماز را باید با یک تیم بخواند زیرا در صورت تیمم مجدد، بین دو نماز، فاصله ایجاد می‌شود.

(۳) می‌تواند هر دو نماز را با یک تیم بخواند چون در حالت جمع، هر دو نماز، در حکم نماز واحد هستند.

(۴) باید برای هر کدام از نمازها یک تیم به جای آورد چون با هر تیم فقط یک نماز فرض می‌شود خواند.

۳۲ - شخصی نیت خواندن نماز نافله کرده و تکبیره الاحرام گفته است، کدام گزینه در مورد تغییر نیت او در حین نماز صحیح است؟

(۱) فقط می‌تواند نیت افزایش تعداد رکعات بنماید.

(۲) فقط مجاز به نیت کاهش تعداد رکعات نماز است.

(۳) می‌تواند نیت کند تعداد رکعات نماز را کم یا زیاد کند.

(۴) تغییر نیت تعداد رکعات در حین نماز، مطلقاً مبطل است.

۳۳ - یکی از شروط وجود زکات، «ملکیت تام» است، منظور از ملکیت تام در این باب، چیست؟

(۱) ملکیت آن همانند ملکیت مال به سرقت رفته و یا گم شده و امثال آن‌ها، ضعیف نباشد.

(۲) ملکیت آن مال از طریق اسباب منجزی مانند ارث منتقل شده باشد.

(۳) در ملکیت آن مال، کسی با مالک، شریک نباشد.

(۴) ملکیت بر اعیان باشد نه بر منافق.

۳۴ - اگر دائن، طلب خود از شخص مدیون فقیر را به عنوان زکات محسوب کند، حکم ادائی زکات او کدام است؟

(۱) در هر صورت، به شرط عدم بازپس‌گیری از مدیون، ادائی زکات محسوب می‌شود.

(۲) در صورت بازپس‌گرفتن دین و تحويل دوباره آن به مدیون، ادائی زکات محسوب می‌شود.

(۳) تنها در صورت بازپس‌گرفتن دین و تحويل آن به فقیر دیگر، ادائی زکات محسوب می‌شود.

(۴) در صورت پس‌نگرفتن دین به شرط اطلاع مدیون از قرارگرفتن بدھی به عنوان زکات، زکات محسوب می‌شود.

۳۵ - حکم روزه کسی که به گمان عدم طلوع فجر سحری بخورد یا کسی که به گمان غروب خورشید افطار کند و خلاف آن ثابت شود، کدام است؟

(۱) روزه فرد اول باطل بوده و باید قضا کند ولی روزه فرد دوم مجری است.

(۲) هر دو می‌توانند روزه آن روز را افطار کرده و یک روز دیگر قضا کنند.

(۳) هر دو باید آن روز امساك کرده و یک روز دیگر قضا کنند.

(۴) در صورت امساك تا آخر روز، روزه هر دو مجری است.

۳۶ - انجام کدام یک از اعمال در حج با پرداخت یک فدیه جبران می‌شود؟

(۱) تطییب متناوب در احرام

(۲) پوشیدن لباس چند بار متوالی

(۳) حلق و تطییب به دلیل عذر شرعی

- ۳۷ - کدام گزینه درباره صحت حواله ثمن در زمان خیار و حواله آن قبل از قبض مبیع صحیح است؟

۱) در هر دو حالت، حواله صحیح است.

۲) در هر دو حالت، حواله باطل است.

۳) در زمان خیار، باطل و قبل از قبض مبیع، صحیح است.

۴) در زمان خیار، صحیح و قبل از قبض مبیع، باطل است.

- ۳۸ - شخصی مالی را که در تصرف غاصب بوده خردیده است، بایع توانایی رفع تصرف غاصب را ندارد. آیا مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند؟

۱) اگر مشتری حین العقد قدرت بر رفع تصرف غاصب داشته، مطلقاً حق فسخ ندارد.

۲) می‌تواند فسخ کند خواه عالم به غصب بوده باشد و خواه جاهل به آن.

۳) حق فسخ ندارد خواه عالم به غصب بوده باشد و خواه جاهل به آن.

۴) اگر حین العقد جاهل به غصب بوده باشد حق فسخ دارد.

- ۳۹ - در عقد سلم چنانچه مسلم‌الیه، مسلم فیه را قبل از حلول أجل آماده تسلیم کند آیا می‌توان مسلم را اجبار به قبول کرد؟

۱) مطلقاً نمی‌توان اجبار به قبول کرد.

۲) اگر مسلم فیه در معرض تضییع باشد می‌توان اجبار به قبول کرد.

۳) اگر امتناع از قبول، معلل به اغراض صحیحه باشد نمی‌توان اجبار کرد.

۴) اگر مسلم‌الیه غرض صحیحی در تعجیل داشته باشد مسلم در هر حال اجبار به قبول می‌شود.

- ۴۰ - مستأجر، عین مستأجره را به اعاره می‌دهد و این عین، بدون تعدی و تفريط مستعیر، تلف می‌شود، در چنین صورتی کدام گزینه صحیح است؟

۱) مستأجر، ضامن است زیرا به اعاره دادن عین مستأجره، صحیح نیست.

۲) مستعیر، ضامن نیست زیرا نایب مستأجر است و ید مستأجر، امنی است.

۳) مستعیر، ضامن است زیرا اصولاً ید مستعیر ضامنی است چون عقد برای منفعت او است.

۴) مستأجر و مستعیر، متضامناً مسئول هستند و مالک به هر کدام که بخواهد می‌تواند رجوع کند.

- ۴۱ - «پس از عقد حواله معلوم می‌شود که محال علیه در حین عقد، مفلس بوده است.» در این صورت کدام گزینه صحیح است؟

۱) محثال، مطلقاً حق رجوع به محیل ندارد چون خود به حواله راضی شده است.

۲) اگر حواله را بیع بدانیم محثال حق رجوع به محیل دارد و گرنه حق رجوع ندارد.

۳) محثال در هر حال حق رجوع به محیل دارد چون حواله متضمن غرر و ضرر بوده است.

۴) اگر حواله را استیفادی حق بدانیم محثال حق رجوع به محیل دارد و گرنه حق رجوع ندارد.

- ۴۲ - در کدام مورد «عقد مساقات» نادرست است؟

۱) سهم عامل بیش از مالک، تعیین شود، چون در مساقات، سهم مالک نباید از سهم عامل کمتر باشد.

۲) شرط شود که عامل به تنهایی به عمل اشتغال ورزد، زیرا ممکن است نیازمند کمک باشد.

۳) مدت عقد، به رسیدن محصول، مقید شود، زیرا زمان رسیدن محصول، مجھول است.

۴) اگر مدت مساقات دو سال باشد و سهم عامل در سال اول و سال دوم، متفاوت باشد.

- ۴۳ - عدم صحت توالی دو ضمان بر مبیع واحد در زمان واحد، ناشی از کدام شرایط بیع است؟

۱) لزوم ثبوت ملک بر مبیع

۲) لزوم قبض مبیع قبل از بیع مجدد

۳) لزوم قدرت بر تسلیم مبیع در زمان بیع

- ۴۴- «هرگاه مشتری سهم خود را که در آن حق شفعه جریان دارد اجاره دهد یا وقف کند» حکم تصرف وی و حق شفعه شفیع چیست؟

- (۱) اجاره و وقف صحیح است و با خروج شیء از ملکیت مشتری، حق شفیع ساقط می‌شود.
- (۲) وقف، باطل و اجاره، صحیح است و شفیع حق نقض دارد.
- (۳) اجاره، باطل و وقف، صحیح است ولی شفیع حق نقض دارد.
- (۴) اجاره و وقف صحیح است ولی شفیع حق نقض آن‌ها را دارد.

- ۴۵- مطابق رأی راجح مذهب شافعی، کدام گزینه درباره «ابراء» و «ابراء مجهول» صحیح است؟

- (۱) ابراء، تملیک است و تملیک مجهول باطل است.
- (۲) ابراء، اسقاط است و اسقاط مجهول باطل است.
- (۳) ابراء، تملیک است و تملیک مجهول صحیح است.
- (۴) ابراء، اسقاط است و اسقاط مجهول صحیح است.

- ۴۶- کدام گزینه از جمله شروط «التقاط لقيط» بهشمار نمی‌رود؟

- (۱) رشد، چون امکان تقویت او با نصب ناظر توسط حاکم وجود دارد.
- (۲) غنی، چون در صورت فقر لقيط، تأمین نفقة او بر عهده بيت‌المال است.
- (۳) حریت، زیرا التقاط لقيط، تصرف مالی نیست که برده از آن محروم گردد.
- (۴) عدالت، زیرا التقاط لقيط از جمله ولایات نیست که فرد فاسق از آن محروم گردد.

- ۴۷- در صورت انقراض موقوف عليهم، کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) وقف باطل نمی‌شود و منافع آن به فرزندان موقوف عليهم داده می‌شود.
- (۲) وقف باطل نمی‌شود و عین موقوفه براساس قرابت رحم به ورثه واقف می‌شود.
- (۳) وقف باطل نمی‌شود و منافع آن به اعتبار قرابت رحم به ورثه واقف داده می‌شود.
- (۴) وقف باطل نمی‌شود و عین موقوفه به اعتبار حساب مواريث به ورثه واقف داده می‌شود.

- ۴۸- «شخصی مدعی مالکیت قطعه زمینی است که در تصرف دیگری است. مدعی علیه به مالکیت وی اقرار می‌کند و نهایتاً در برابر منافع دو ساله باغ مدعی علیه، مصالحه می‌کنند.» حکم چنین مصالحه‌ای چیست؟

(۱) باطل است چون صلح مع الاقرار است.

(۲) صحیح است و احکام اجاره در آن جاری می‌شود.

(۳) صحیح است و احکام صلح در آن جاری می‌شود.

(۴) اگر ارزش منافع باغ، معادل قیمت زمین مورد ادعای مدعی باشد صحیح و الا باطل است.

- ۴۹- «شخصی منافع خود را خود را بدون تعیین مدت، برای دیگری وصیت کرده است.» کدام گزینه درباره چنین وصیتی درست است؟

(۱) صحیح است و بر حداقل مدتی که امکان انتفاع از منافع وجود دارد حمل می‌شود.

(۲) باطل است زیرا مورد وصیت، باید عین باشد نه منفعت.

(۳) باطل است به دلیل مجهول بودن مدت.

(۴) صحیح است و اطلاق، مقتضی تأبید.

- ۵۰- کدام گزینه درباره تزویج زنی که فاقد ولی شرعی است و دسترسی به حاکم ندارد، صحیح است؟

(۱) زن، فردی واجد اوصاف ولایت انتخاب می‌کند و آن شخص او را تزویج می‌کند.

(۲) زن به شخص عالم عادل رجوع و او از باب تحکیم تزویج می‌کند.

(۳) تزویج وی تا دسترسی به حاکم به تعویق می‌افتد.

(۴) زن، اضطراراً و استحساناً خود را تزویج می‌کند.

- ۵۱ «مردی با زنی ازدواج کرده و مهر او را سهم خویش از مال مشاعی قرار داده که در آن حق شفعه جریان دارد.» در این صورت کدام گزینه صحیح است؟
- (۱) شریک می‌تواند سهم او را در مقابل مهرالمثل، تملک کند.
 - (۲) اگر زوجه مدخل بها واقع شود حق شفعه ثابت است و گرته خیر.
 - (۳) حق شفعه در مقابل قیمت سهم فرد و با تقویم حاکم ثابت می‌شود.
 - (۴) حق شفعه ثابت نیست زیرا سهم فرد از طریق بیع، از ملکیت شریک خارج نشده است.
- ۵۲ پس از وقوع طلاق خلعی، میان زوجین در میزان مال الخلع، اختلاف به وجود می‌آید و هیچ یک دلیلی بر اثبات مدعای خویش ندارند. در این صورت کدام گزینه صحیح است؟
- (۱) زوجه ملزم به پرداخت مهرالمثل به زوج است.
 - (۲) با توافق زوجین میزان جدیدی تعیین می‌گردد.
 - (۳) میانگین ادعای زوج و زوجه مبنای حکم قرار می‌گیرد.
 - (۴) به دلیل قاعدة «الأخذ بأقل ما قبل» کمترین میزان مورد ادعا، ملاک عمل است.
- ۵۳ «مهرالمتعه» به کدام یک از زنان تعلق می‌گیرد؟
- (۱) زنی که نکاح وی به واسطه عیب فسخ شده باشد.
 - (۲) زوجه مرتد که نکاح وی منفسخ شده باشد.
 - (۳) مطلقه مدخل بها پس از تعیین مهر
 - (۴) زوجه که همسر وی فوت کرده باشد.
- ۵۴ «زوجه به زوج می‌گوید: در مقابل آنچه در تصرف من است طلاقم بده. زوج بدون آن که بداند چه چیزی در تصرف اوست قبول می‌کند و او را طلاق می‌دهد.» در این صورت کدام طلاق واقع می‌شود؟
- (۱) رجعی بدون عوض
 - (۲) باهن در مقابل مهرالمثل
 - (۳) باهن در مقابل آنچه در تصرف زوجه است.
 - (۴) رجعی در مقابل اقل آنچه که مال نامیده شود.
- ۵۵ کدام یک از موارد، شرط حضانت به شمار نمی‌رود؟
- (۱) حریت حاضن
 - (۲) اقامت حاضن
 - (۳) نبودن در قید نکاح اگر حاضن زن باشد.
- ۵۶ در کدام مسئله سهم الارث «ام» بیشتر است؟
- (۱) مات عن ام و جد و ابن ابن
 - (۲) مات عن اربع زوجات و اخ لام و جد و ام
- ۵۷ «حسن با علم و عمد غذای مسمومی به احمد تعارف می‌کند. احمد، غذا را تناول می‌کند و در اثر مسمومیت می‌میرد.» کدام گزینه درباره این مسئله صحیح است؟
- (۱) اگر احمد صغیر یا مجنوں باشد قتل، عمد و حسن، قابل قصاص است.
 - (۲) اگر احمد مکلف بوده و جاہل به مسمومیت غذا باشد قتل، عمد و حسن، قابل قصاص است.
 - (۳) اگر احمد، عالم به مسمومیت غذا باشد قتل، غیر عمد و حسن، محکوم به پرداخت تمام دیه می‌شود.
 - (۴) اگر احمد، عالم به مسمومیت غذا باشد قتل، غیر عمد و حسن، محکوم به پرداخت نصف دیه می‌شود.
- ۵۸ «فردی فرزندش را به شناگری می‌سپارد تا به او شنا بیاموزد اما فرزندش غرق می‌شود.» رأی صحیح مذهب شافعی در این باره کدام است؟
- (۱) بر عاقله شناگر است که دیه قتل خطا را بپردازند.
 - (۲) چیزی بر شناگر نیست مگر تعدی اش ثابت شود.
 - (۳) عاقله شناگر باید دیه شبه عمد بپردازند.

- ۵۹- کدام اقرار برای مُقر، الزام آور نیست؟
- (۱) إذا قَدِمَ زِيدٌ فِي لَفْلَانِ عَلَىٰ مَائِةٍ
 - (۲) لَهُ عَلَىٰ عَشَرَةَ لَا تَلِزِمُنِي
 - (۳) لَهُ عَلَىٰ مَائِةَ مِنْ ثَمَنِ كَلْبٍ
 - (۴) لَهُ عَلَىٰ عَشَرَةَ لَا عَشَرَةً
- ۶۰- کدام گزینه در مورد «قسم مدعی عليه توسط قاضی» صحیح است؟
- (۱) در صورت عدم وجود ادله دیگر و رضایت طرفین، قاضی حق قسم دادن مدعی عليه را دارد.
 - (۲) قاضی به رضایت طرفین دعوا، حق قسم دادن مدعی عليه را دارد.
 - (۳) قاضی حق قسم دادن مدعی عليه جز به تقاضای مدعی را ندارد.
 - (۴) قاضی در هر صورت حق قسم دادن مدعی عليه را دارد.
- ۶۱- شرعی بودن حُسن و قبح از نظر اشعاره به کدام معنا است؟
- (۱) ترتیب ذم و عقاب، مآلًا
 - (۲) ترتیب ذم و عقاب، حالاً و مآلًا
 - (۳) ترتیب ذم، حالاً و مآلًا و ترتیب عقاب، مآلًا
 - (۴) ترتیب ذم، حالاً و مآلًا و ترتیب عقاب، مآلًا
- ۶۲- کدام گزینه درباره «وجوب اتمام مندوب» صحیح است؟
- (۱) از نظر شافعیه مطلقاً واجب نیست.
 - (۲) از نظر حنفیه مطلقاً واجب نیست.
 - (۳) از نظر شافعیه در نماز، واجب و در روزه، واجب نیست.
 - (۴) از نظر حنفیه در نماز، واجب و در روزه، واجب نیست.
- ۶۳- از نظر شافعیه کدام گزینه درباره «اجزاء» صحیح است؟
- (۱) مختص عبادات واجب است.
 - (۲) به مطلق عبادات و عقود تبعیعی اختصاص دارد.
 - (۳) به مطلق عبادات و عقود تبعیعی اختصاص دارد.
- ۶۴- کدام گزینه در تعریف «علم» صحیح است؟
- (۱) ادراک بلا حکم که جازم و غیرقابل تغییر باشد.
 - (۲) ادراک بلا حکم که جازم و قابل تغییر باشد.
 - (۳) ادراک بلا حکم که جازم و قابل تغییر باشد.
- ۶۵- کدام گزینه در مورد «نکلیف غافل» صحیح است؟
- (۱) اصح: ممتنع است زیرا علم به مکلف به ندارد.
 - (۲) جایز است، زیرا غافل دارای اهلیت خطاب است.
 - (۳) اجماع: ممتنع است زیرا امثال برای او ممکن نیست.
 - (۴) جایز است، زیرا امکان قضاۓ تکالیف شرعی برای غافل وجود دارد.
- ۶۶- کدام گزینه رأی اصح اصولیان شافعیه را در مورد «فرض کفایی» بیان می‌کند؟
- (۱) از حیث شدت نیاز، هیچ فرقی با فرض عین ندارد.
 - (۲) تنها مشابهتش با فرض عین، در ظاهر تسمیه لفظی آن است.
 - (۳) با شروع، متعین نمی‌شود زیرا قصد، حصول آن فی الجمله است.
 - (۴) با شروع، متعین می‌شود زیرا از حیث وجوب و اتمام، همانند فرض عین است.
- ۶۷- کدام گزینه در مورد قرائات شاذ (ماورای قرائات دهگانه) صحیح است؟
- (۱) در حکم آیات منسوخ است.
 - (۲) جاری مجرای اخبار أحد است.
 - (۳) حمل بر تفسیر قراء می‌شود.
 - (۴) قرائت به آن‌ها در نماز مکروه است.

-۶۸- در خصوص مفهوم «موافقه» کدام‌یک از موارد صحیح است؟

(۱) حجت و مبنای دلالت آن محل وفاق است.

(۲) حجت و مبنای دلالت آن محل خلاف است.

(۳) حجت آن محل خلاف و مبنای دلالت آن مورد اتفاق است.

(۴) حجت آن مورد اتفاق و مبنای دلالت آن محل خلاف است.

-۶۹- مبنای حجت مفاهیم مخالف، کدام‌یک از مبانی است؟

(۱) مبنای لغوی به دلیل استدلال علمی لغت به آن

(۲) مبنای قیاسی به دلیل قیاس بر عمل مخاطبان اولیه پیام

(۳) مبنای عقلی به دلیل عدم صدور کلام عبث از شارع حکیم

(۴) مبنای شرعی به دلیل استقرار حجت آن در شرع با استقراء

-۷۰- آیا عام، صورت نادره و صورت غیرمقصوده را شامل می‌شود؟

(۱) صورت نادره را شامل می‌شود ولی صورت غیرمقصوده را شامل نمی‌شود.

(۲) صورت غیرمقصوده را شامل می‌شود ولی صورت نادره را شامل نمی‌شود.

(۳) هر دو را شامل می‌شود.

(۴) هیچ‌کدام را شامل نمی‌شود.

-۷۱- مطابق قول اصح شافعیه، نکره در سیاق نفی، چگونه بر عموم دلالت می‌کند؟

(۴) عقلاء

(۳) معنا

(۲) وضع

-۷۲- اقتضای آیه شریفه «... خذ من أموالهم صدقة» کدام است؟

(۱) وجوب اخذ از همه اموال به دلیل اقتضای عموم

(۲) امثال امر با اخذ دو نوع مال، چون حداقل جمع، دو است.

(۳) امثال امر با اخذ سه نوع مال، چون حداقل جمع، سه است.

(۴) امثال امر با اخذ از یک نوع مال به دلیل نکره بودن لفظ صدقة

-۷۳- کدام گزینه در خصوص «امر» صحیح است؟

(۱) امر نفسی به انجام کار معین، مستلزم نهی از ضد آن است.

(۲) اعتقاد به وجوب امر در تحقق مطلوب قبل از بحث از معارض، واجب نیست.

(۳) امر به مخاطب برای درخواست کاری از دیگران، شامل مخاطب نیز می‌گردد.

(۴) امر وقت به شیء، اگر در زمان مشخص شده امثال نشود، مستلزم قضاۓ نیست.

-۷۴- امر به یکی از امور مبهم، مستلزم کدام مورد است؟

(۲) وجوب عمل به امر أعلى به خاطر احتیاط

(۳) وجوب عمل به یکی از امور به صورت مطلق

-۷۵- کدام گزینه در خصوص «اقتضای صیغه نهی» صحیح است؟

(۱) نهی تزییه اگر متوجه لازم منهی عنه شود مقتضی فساد است.

(۲) نهی تزییه اگر متوجه جزء منهی عنه شود مقتضی فساد نیست.

(۳) اگر معلوم نشود که نهی متوجه چیست مقتضی فساد منهی عنه نیست.

(۴) صرفاً در صورتی نهی مقتضی فساد منهی عنه است که نهی متوجه ذات شیء باشد.

- ۷۶- کدام گزینه درباره «نهی از امور متعدد» صحیح است؟
- (۱) جمعاً و فرقاً و جمیعاً صحیح است.
 - (۲) جمعاً و فرقاً و جمیعاً صحیح نیست.
 - (۳) جمعاً و جمیعاً صحیح است و فرقاً صحیح نیست.
 - (۴) جمعاً و فرقاً صحیح است و جمیعاً صحیح نیست.
- ۷۷- از نظر اکثر علماء، کدام گزینه درباره «خبر واحد» صحیح است؟
- (۱) اگر از نوع مستفیض و مقرون به قرینه باشد افاده علم می‌کند.
 - (۲) اگر از نوع مستفیض باشد مطلقاً افاده علم می‌کند.
 - (۳) اگر مقرون به قرینه باشد افاده علم می‌کند.
 - (۴) مطلقاً افاده علم نمی‌کند.
- ۷۸- کدام مورد درباره صفات راویان خبر متواتر صحیح است؟
- (۱) هم اسلام و هم عدالت و هم اختلاف انساب راویان، شرط است.
 - (۲) اسلام، عدالت و اختلاف انساب راویان، هیچ کدام شرط نیست.
 - (۳) اسلام راویان، شرط است ولی عدالت و اختلاف انسابشان شرط نیست.
 - (۴) اسلام و عدالت راویان شرط است ولی اختلاف انسابشان شرط نیست.
- ۷۹- اتفاق نظر مجتهدان امت اسلامی در عصری از عصور بر حکم شرعی یک مسئله، اجماع گفته می‌شود. اگر در دوره‌ای فقط یک مجتهد وجود داشته باشد کدام رأی صحیح است؟ قول آن مجتهد.....
- (۱) هم اجماع است و هم حجت، زیرا قول او به منزله قول تمامی مجتهدان است.
 - (۲) اجماع نیست ولی حجت است، زیرا تنها رأی ابراز شده در آن مسئله است.
 - (۳) نه اجماع است و نه حجت، زیرا اتفاق نظر با وجود جمع، معنی می‌یابد.
 - (۴) مطابق تعریف، اجماع است اما در واقع اجماع نبوده و حجت هم نیست.
- ۸۰- کدام گزینه در تعریف «تحقيق المناط» صحیح است؟
- (۱) مقارنة الحكم للوصف المناسب له
 - (۲) اثبات العلة في آحاد صورها
 - (۳) تعیین العلة بإبداء المناسبة بينها وبين الحكم
 - (۴) حذف الوصف الظاهر و أناطة الحكم بما هو اعم منه
- ۸۱- در مبحث قیاس، یکی از قوادح عدّت، «مطالبة» است، منظور از «مطالبة» چیست؟
- (۱) منع علية الوصف
 - (۲) القول بما اقتضاه الدليل
 - (۳) وصف اشتملت عليه العلة
 - (۴) ثبوت الحكم لثبت العلة أبداً
- ۸۲- کدام واژگان، عبارت زیر را به درستی کامل می‌کند؟ «.....ان اعتبر عینه في عين الحكم بنص او اجماع»
- (۱) الملائم - فالمؤثر
 - (۲) المناسب - فالملائم
 - (۳) الملائم - فالمناسب
- ۸۳- اقتران وصف ملفوظ با حکم، به نحوی که اگر جز آن وصف یا شبیه آن، علی حکم بهشمار نباید و اناطه حکم به غیر آن مُخلٌ به بلاغت شارع باشد؛ بیانگر کدام یک از مسالک العله است؟
- (۱) شبیه
 - (۲) ايماء
 - (۳) دوران
 - (۴) مناسبت
- ۸۴- از نظر شافعیه کدام گزاره درباره «استحسان» صحیح است؟
- (۱) به معنای عدول از قیاس به استناد حدیث ضعیف، صحیح است.
 - (۲) به معنای عدول از دلیل به استناد عرف، صحیح است.
 - (۳) به معنای عدول از قیاس به قیاس قوی‌تر، صحیح است.
 - (۴) مطلقاً مردود است.

- ۸۵ - عبارت «ثبت امر فی الثانی لثبوته فی الاول لفقد ما يصلح للتغییر» تعریف کدام گزینه است؟

- (۱) قیاس جلی (۲) استصحاب (۳) قیاس خفی (۴) قیاس مساوات

- ۸۶ - کدام یک از موارد در باب «اجتهاد» نادرست است؟

- (۱) بطلان نکاح سابق به دلیل تغییر اجتهاد در صحت شروط نکاح

- (۲) عدم ضمان مجتهد در صورت اتفاف اموال با اجتهاد وی و تغییر فتوا

- (۳) لزوم نقض اجتهاد سابق با اجتهاد لاحق در صورت مخالفت با قیاس جلی

- (۴) عدم وجوب اطلاع به مستفتی در صورت تغییر اجتهاد به دلیل امکان تغییر مجدد اجتهاد

- ۸۷ - از نظر جمهور علمای شافعیه کدام گزاره درباره «خلو زمان از مجتهد» صحیح است؟

- (۱) نظرًا جائز نیست و لذا واقع هم نشده است.

- (۲) نظرًا صحیح و وقوع آن هم ثابت شده است.

- (۳) نظرًا جائز است ولی وقوع آن ثابت نشده است.

- (۴) نظرًا جائز است ولی وقوع آن در آخر زمان خواهد بود.

- ۸۸ - کدام گزینه در مورد تجدیدنظر مجتهد و استفتای مقلد صحیح است؟

- (۱) تکرار واقعه برای مجتهد و تکرار سؤال برای مقلد، تجدیدنظر و استفتا را برای آنان واجب نمی گرداند.

- (۲) تکرار واقعه برای مجتهد و تکرار سؤال برای مقلد، تجدیدنظر و استفتا را برای آنان واجب می گرداند.

- (۳) تکرار واقعه برای مجتهد، تجدیدنظر را برای او واجب نمی گرداند ولی تکرار سؤال برای مقلد، استفتا را بر او واجب می گرداند.

- (۴) تکرار واقعه برای مجتهد، تجدیدنظر را برای او واجب می گرداند ولی تکرار سؤال برای مقلد، استفتا را بر او واجب نمی گرداند.

- ۸۹ - کدام گزینه در مورد «مقلد مذهب» صحیح است؟

- (۱) اجازة خروج از مذهب در مسائلی که به آن عمل نکرده است را دارد ولی تتبع رخص برای وی جایز نیست.

- (۲) مطلقاً اجازة خروج از مذهب را ندارد ولی می تواند از میان اقوال مذهب خویش، به یکی عمل کند.

- (۳) اجازة خروج از مذهب در تمام مسائل را دارد ولی اجازة تتبع رخص ندارد.

- (۴) اجازة خروج از مذهب و تتبع رخص دارد.

- ۹۰ - کدام مورد مطابق رأی اصح اصولیان شافعی درباره «تتبع رخص» صحیح است؟

- (۱) در مواردی که فرد به آن عمل کرده جایز نیست اما در مواردی که به آن عمل نکرده جایز است.

- (۲) برای فرد ملتزم به مذهب معین صحیح است ولی برای غیرملتزم صحیح نیست.

- (۳) برای فرد ملتزم به مذهب معین جایز نیست ولی برای غیرملتزم جایز است.

- (۴) نه برای فرد ملتزم به مذهب معین جایز است و نه برای فرد غیرملتزم.



سایت کنکور

Konkur.in